

Tehran Mothers' Exposure to Virtual Education of their Children During the Corona Outbreak

Sattar Parvin

Associate Professor of Social Work,
Allameh Tabataba'i University, Tehran,
Iran.

Mahsa Karimi *

PhD Candidate of Social Work, Allameh
Tabataba'i University, Tehran, Iran.

Faezeh Piazhian Langroudi

PhD Candidate of Social Work, Allameh
Tabataba'i University, Tehran, Iran.

Abstract

The worldwide spread of the coronavirus and the importance of breaking the virus transmission chain has led to changes in people's lifestyles, including the change in students' face-to-face education to e-learning, which has challenged students and their mothers. Therefore, in order to discover the meaning, experience and action of mothers regarding the virtual education of their adolescent children, the present study with qualitative method (content analysis) examined the exposure of 15 mothers in Tehran who were selected through purposive sampling. The data collection technique was semi-structured questions in which five main topics were extracted, including students' cultural and social harms, students' physical and mental health risks, e-learning inefficiency, perceived benefits of e-learning and the importance of social prevention. Finally, these findings and theoretical concepts of the research led to the design of a social prevention model (growth-oriented and community-oriented) that was not obtained in other similar studies. The findings of this integrated model showed that the correct guidance of students to make the most of this space by using content and quality programs can be effective in preventing social harms of cyberspace.

Keywords: Virtual Education, Corona Virus, Social Prevention, Developmental Prevention, Community-based Prevention

* Corresponding Author: karimimahsa189@gmail.com

How to Cite: Parvin, S; Karimi, M; Piazhian Langroudi, F. (2022). Tehran mothers' exposure to virtual education of their children during the corona outbreak, *Journal of Social Work Research*, 9(32), 189-225.



مواجهه مادران شهر تهران با آموزش مجازی فرزندان در دوران شیوع کرونا

دانشیار مددکاری دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

ستار پروین ^{ID}

دانشجوی دکتری مددکاری دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

مهسا کریمی ^{ID}*

دانشجوی دکتری مددکاری دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

فائزه پیازچیان لنگرودی ^{ID}

چکیده

شیوع ویروس کرونا در سرتاسر جهان و اهمیت قطع زنجیره انتقال ویروس، منجر به تغییراتی در سبک زندگی افراد، از جمله تغییر سبک آموزش حضوری دانش آموزان به آموزش مجازی شد که دانش آموزان و مادران آن‌ها را با چالش‌هایی مواجه ساخت. لذا به منظور کشف معنا، تجربه و کنش مادران در خصوص آموزش‌های مجازی فرزندان نوجوانشان، مطالعه حاضر با روش کیفی (تحلیل مضمون) به بررسی مواجهه ۱۵ نفر از مادران شهر تهران که از طریق نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند پرداخت. روش گردآوری داده‌ها سؤالات نیمه ساختاریافته بود که در طی آن پنج مضمون اصلی شامل آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی دانش آموزان، مخاطرات سلامت جسمی و روانی دانش آموزان، ناکارآمدی آموزش مجازی، مزایای ادراک شده آموزش مجازی و اهمیت پیشگیری اجتماعی استخراج گردید. در نهایت این یافته‌ها و مفاهیم نظری پژوهش به طرح مدل پیشگیری اجتماعی (رشد مدار و جامعه مدار) منجر شد که در سایر پژوهش‌های مشابه حاصل نشده بود. یافته‌های این مدل تلفیقی نشان داد، هدایت صحیح دانش آموزان برای بهره‌برداری حداکثری از این فضا با استفاده از برنامه‌های با محتوا و باکیفیت می‌تواند در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی فضای مجازی مؤثر افتد.

واژه‌های کلیدی: آموزش مجازی، ویروس کرونا، پیشگیری اجتماعی، پیشگیری رشد مدار، پیشگیری جامعه مدار

بیان مسئله

با توجه به شیوع ویروس کرونا در ووهان چین از سال ۲۰۱۹ و گسترش آن در سرتاسر جهان، کشورها به منظور کاهش حضور فیزیکی افراد در جامعه و ممانعت از انتقال ویروس، ناگزیر به ایجاد سبک‌های جدید زندگی شدند که این امر تمام نهادهای اجتماعی از جمله نظام آموزش عالی و آموزش و پرورش را شامل شد. در نهایت نظام آموزشی جهان با تحولی عمیق و کم سابقه به عنوان آموزش مجازی مواجه شدند. سرگزی^۱ و همکاران (۲۰۲۰) در مقاله با عنوان کرونا و چالش‌های آموزش مجازی در ایران به این نتیجه رسیدند که این بحران می‌تواند به عنوان یک فرصت در نظر گرفته شود تا نقص‌ها و کمبودهای زیرساختی برای تدریس مجازی در ایران شناسایی و در جهت رفع آن تلاش شود. با این حال تدریس به صورت مجازی برای معلمان، والدین و مراکز آموزشی مشکلاتی از جمله ناآشنایی با فناوری جدید و چالش‌هایی ناشناخته را به وجود آورد (3: Maggio et al, 2018).

در کشور ایران به منظور ساماندهی فضای آموزش مجازی از «برنامه شاد» استفاده شد که مشکلات زیرساختی برنامه شاد و عدم دسترسی همه دانش آموزان به این برنامه از چالش‌های فضای آموزشی بوده که به عنوان دو زیر مضمون اصلی در پژوهش حاجی و همکاران (۱۴۰۰) بدان دست یافتند. کمبود امکانات و تجهیزات از چالش‌های جدی در تدریس مجازی بوده است. نتایج مطالعات کیان (۱۳۹۳) نشان داد که در محیط مجازی به دلیل فقدان ارتباط رودررو و الگوگیری دانشجویان از استاد و دیگران، زمینه تربیت چندان فراهم نیست و دانشجوی مجازی با امکان مشاهده واکنش‌های روزمره استاد و الگوگیری از سبک اخلاق و تربیتی او مواجه نمی‌شود. لذا به نظر می‌رسد این شرایط دغدغه و نگرانی‌هایی برای والدین به ویژه مادران ایجاد کرد که خود را مسئول مستقیم تربیت و مراقبت از فرزند نوجوانشان می‌انگارند.

یافته‌ها نشان می‌دهد شیوه استفاده از اینترنت به اندازه زمانی که صرف آن می‌شود، برای سلامتی افراد اهمیت دارد (Caplan, 2003: 630). برخی تحقیقات مانند رحیمی و رادبه (۱۳۹۱) گسترش فضای مجازی در حوزه رابطه فرزندان و مادران را منجر به ایجاد تغییراتی از جمله کاهش نقش مادران به عنوان مرجع کاهش ارتباط مادران با فرزندان، شکاف نسلی به دلیل رشد تکنولوژی و از بین رفتن حریم بین فرزندان و مادران دانسته است. اما سایر یافته‌های تحقیقی از جمله پژوهش فلاحی (۱۳۹۵) به نتایج قابل تأملی دست یافته‌اند. فلاحی در پژوهش خود دریافت، صرف حضور افراد و استفاده آنان از فناوری‌های مرتبط با شبکه‌های اجتماعی نمی‌تواند به آسیب در هویت و پیدایش گسست در نهاد خانواده منجر شود؛ بلکه با شناخت، رعایت و کنترل جوانب ابعاد حاکم بر این پدیده، افراد می‌توانند با حضور در این فضا حمایت‌های نسبی نیز به دست آورند.

همچنین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی با سرمایه اجتماعی و پیوندهای درون خانواده (درون‌گروهی) رابطه معناداری ندارد. ولی نوع استفاده کاربران در این فضا با احساس تعلق خانوادگی همبستگی معناداری دارد. بنابراین فواید این فضا از یک سو و چالش‌های آن از سوی دیگر به قوت خود باقی است و مادران را در دوران شیوع کرونا و الزام به آموزش مجازی به نوعی بر سر دوراهی قرار داده است.

در اکثر پژوهش‌های صورت گرفته در دوران کرونا، اکثر محققان به بررسی نگرش و دغدغه معلمان پرداخته‌اند، و مجازی شدن آموزش و مشکلات ناشی از آن را از دید معلمان بررسی کرده‌اند و کمتر پژوهشی به مسائل و افزایش تنش‌های مادران و فرزندان نوجوان و دغدغه‌های مادران پرداخته است. مادرانی که اکنون به گونه‌ای علاوه بر نقش والد بودن نقش معلم را هم لاجرم ایفا می‌کنند و از طرفی دغدغه درگیر شدن فرزندانشان در فضای مجازی و آسیب‌هایی که در اثر استفاده بدون کنترل از آن متحمل می‌شوند را هم دارند.

به دلیل جدید بودن آموزش مجازی و همچنین نرم‌افزارهایی که این مدل آموزش را میسر می‌کند مشکلاتی را تجربه می‌کنند مشکلات آموزش مجازی هم مربوط به

مواجهه مادران شهر تهران با آموزش مجازی، ... پروین و همکاران | ۱۹۳

دانش آموزان است هم والدین که بیشتر از گذشته درگیر آموزش بچه‌ها شدند. افراد درگیر در آموزش مجازی معتقدند که با تجربه مجازی شدن ماه‌های آخر سال تحصیلی گذشته و هم‌زمان با شیوع موج اول کرونا در کشور، مسئولین باید برای رفع این اختلالات و مشکلات فکری می‌کردند، اتفاقی که در عمل نیفتاده است و دغدغه‌های دیگری هم به آن برای والدین افزوده شده است.

به‌رحال با ورود یک‌باره نظام آموزشی کشور به فضای آموزش مجازی هم‌اکنون والدین و دانش‌آموزان، پیش‌نیازهای لازم برای استفاده صحیح از این فضا را نمی‌دانند، در فضایی که به‌ناچار دانش‌آموزان را موبایل به دست کرده‌ایم قطعاً باید منتظر آسیب‌های حضور دانش‌آموزان به‌ویژه دبستانی‌ها در فضای مجازی باشیم. آسیب‌هایی که هر از گاهی از سوی خانواده‌ها نیز مطرح می‌شود البته اگر آموزش و پرورش طبق سند تحول بنیادین حرکت می‌کرد دیگر با شرایط کرونایی یک‌باره به فضای مجازی پرتاب نمی‌شد چرا که طبق این سند، آموزش و پرورش موظف به برنامه‌ریزی برای آموزش مجازی دانش‌آموزان است.

در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش بر برخورداری از بهره‌فناوری آموزشی در سطح معیار با توجه به طیف منابع و رسانه‌های یادگیری "شبکه ملی اطلاعات و ارتباطات" و بهره‌مندی هوشمندانه از فناوری‌های نوین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی مبتنی بر نظام معیار اسلامی تأکید شده است اما نظام آموزش و پرورش برای استفاده از فناوری‌های نوین تا به امروز گام‌های مؤثری برنداشته بود.

به‌رحال در فضایی که زیرساخت‌های آموزش مجازی دانش‌آموزان فراهم نشده است و شرایط بیماری کرونا نظام آموزشی را ناگزیر به استفاده از این بستر کرده است، آسیب‌های مختلفی به لحاظ تربیتی دانش‌آموزان را تهدید می‌کند، خانواده‌ای که تا پیش از این نسبت به استفاده فرزندش از موبایل و فضای مجازی حساسیت داشت و گاه این اجازه را به دانش‌آموز نمی‌داد که از موبایل شخصی یا فضای مجازی استفاده کند امروز ناگزیر است یا برای فرزندش موبایل شخصی بخرد یا موبایل خود را ساعت‌ها در اختیارش قرار دهد که در کلاس مجازی‌اش حضور یابد.

اگرچه فضای شاد یک فضای سالم و استاندارد است اما تمام کلاس‌های درس در این بستر برگزار نمی‌شود و زمانی که دانش‌آموز موبایل به دست شود به‌جز محیط شاد ممکن است در محیط‌ها و شبکه‌های اجتماعی دیگر نیز حضور یابد، شبکه‌های اجتماعی که گاه محتوای آن مناسب کودک و نوجوان نیست. لذا هدف پژوهش حاضر بررسی تجارب مادران از آموزش مجازی در دوران شیوع کرونا و تدابیر مورداستفاده آنها برای کنترل فرزندان از آسیب‌های فضای مجازی است.

پیشینه پژوهش

رودی^۱ (۲۰۲۰) در پژوهش خود تحت عنوان چالش‌های آموزش در فضای مجازی در دوران کرونا و پساکرونا، به مزایا و معایب فضای مجازی پرداختند. مزایای آن را افزایش خودکنترلی، عدم محدودیت زمانی، دسترسی آسان و به‌روز بودن، کارآمدی و سرعت‌بالا ذکر کردند. معایب آن را شامل: اعتیاد اینترنتی، عدم اطمینان از یادگیری مطالب، عدم نظارت بر انجام تکلیف و راستی آزمایی، ناتوانی اولیا در تهیه گوشی همراه، ناتوانی برخی اولیا و مربیان و دانش‌آموزان در استفاده از فضای مجازی و ... دانستند. به این نتیجه رسیدند دو موضوع کرونا و پساکرونا باید موردتوجه قرار گیرند. این دو موضوع درهم آمیخته است و کرونا را باید به‌درستی مدیریت کنیم تا با مشکل مواجه نشویم.

پائودل^۲ (۲۰۲۱) در پژوهشی با عنوان "آموزش آنلاین: مزایا، چالش‌ها و استراتژی‌ها در طول و بعد از COVID-19 در آموزش عالی" به بررسی دیدگاه معلمان و فراگیران در مورد آموزش آنلاین در رابطه با مزایا، چالش‌ها و استراتژی‌های آن در طول و پس از COVID-19 در آموزش عالی نبال پرداختند. برای دستیابی به این هدف، از طرح تحقیق پیمایش آنلاین استفاده شد. در این مطالعه از پرسشنامه پیمایشی برای تعیین دیدگاه ۲۸۰ معلم و دانش‌آموز از پنج دانشگاه نبال استفاده شد.

-
1. Rouadi
 2. Padaul

نتایج نشان داد، مهارت‌های مدیریت زمان، آمادگی فنی و سواد رایانه از ویژگی‌های اساسی برای کاربران آموزش آنلاین است. شرکت‌کنندگان پیشنهاد کردند که خط‌مشی فناوری اطلاعات و ارتباطات باید واضح باشد و دوره‌ها باید بر این اساس توسعه یابد. تنها حالت آموزش و یادگیری آنلاین نمی‌تواند مؤثر باشد، بنابراین شرکت‌کنندگان یادگیری ترکیبی را ترجیح می‌دهند. یافته‌های پژوهش نشان داد اگر رویکرد ترکیبی اجرا شود، فرآیند آموزش مؤثرتر و موفق‌تر خواهد بود.

محمدی و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان واکاوی تجارب والدین دانش‌آموزان دوره اول ابتدایی از چالش‌های آموزش مجازی با شبکه‌های اجتماعی در زمان شیوع ویروس کرونا به بررسی فهم تجربه زیسته والدین دانش‌آموزان دوره اول ابتدایی از چالش‌های آموزش مجازی در شبکه‌های اجتماعی به دلیل شیوع ویروس کرونا پرداخت که با استفاده از روش پدیدارشناسی اجرا شد. پس از استخراج و دسته‌بندی موضوعی، محاسن و معایب آموزش مجازی در شبکه‌های اجتماعی در پنج مقوله آموزشی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و فنی طبقه‌بندی شدند. با توجه به مشکلات و معایبی که توسط مادران عنوان گردیده، طراحی زیرساخت‌های منسجم و اثربخش جهت ارائه آموزش مجازی ضرورت می‌یابد.

فاطمی (۱۳۹۷) در پژوهش خود تحت عنوان تربیت رسانه‌ای در عصر اطلاعات و چالش‌های فراروی آن تأثیر رسانه‌ها را در تربیت و زندگی دانش‌آموزان بررسی کرد. تأثیری که آن‌قدر زیاد است که تربیت خانواده و مدرسه و اجتماع آن‌ها را تحت تأثیر قرار داده است. می‌توان گفت که امروزه رسانه‌ها نقش مهمی را در زندگی‌ها بخصوص برای نوجوانان ایفا می‌کنند. رسانه‌هایی که مفید هستند ولی اثرات مخربی را ایجاد می‌نمایند می‌توانند تربیت‌های خانواده و مدرسه را تحت تأثیر قرار دهد. از یافته‌های این تحقیق می‌توان به ارائه راهکارهایی برای مقابله با آثار سوء مصرف این فناوری اشاره کرد که در آن بر اهمیت تربیت خانوادگی به‌وسیله گفتگو، نصیحت، الگو بودن، شاد کردن فضای خانواده و رعایت حریم حیات و روابط عاطفی و جنسی تأکید شد.

در پژوهش‌های قبلی که به چالش‌های فضای مجازی و دغدغه مندی والدین در این خصوص پرداخته است، به دوران قبل از همه‌گیری ویروس کرونا مربوط می‌شد. بنابراین در پژوهش‌های قبلی والدین ناگزیر به پذیرش این سطح از گستردگی برخورداری فرزندان از فضای مجازی و یا حتی الزام جدی به تهیه گوشی‌های همراه برای آنان نبوده‌اند. در پژوهش‌های که پس از شیوع کرونا نیز به نوعی به چالش‌های فضای مجازی اشاره کرده‌اند موارد مربوط به کیفیت آموزش دانش آموزان در را در بر گرفته است.

در بررسی‌های صورت گرفته از پیشینه پژوهش‌ها این خلأ مشاهده شد که نه تنها هیچ مدل پیشگیرانه‌ای برای برون‌رفت از آسیب‌های اجتماعی احتمالی ناشی از حضور دانش آموزان در فضای مجازی ارائه نشده است بلکه شناخت کافی از دغدغه‌های مادران و تفسیر واقعیت‌های ذهنی آنان در خصوص نوجوانانی که در سطحی گسترده و ظاهراً با تائید اجتماع در معرض فضای مجازی و امکانات آن قرار گرفته‌اند وجود نداشته است. لذا این پژوهش به منظور بررسی این خلأ انجام گردید.

چارچوب مفهومی

پژوهش حاضر که در آن از روش کیفی بهره گرفته شده است به دنبال کشف واقعیت از طریق تفسیر، توسط مادرانی است که دغدغه آموزش مجازی فرزندان نوجوان خود را دارند. به منظور بررسی این تفاسیر از آراء و نظریات متفکرینی که مفاهیم و تعابیرشان برای فهم و توضیح رفتار انسانی در فضای اجتماعی مجازی، همپوشانی کافی دارد بهره گرفته شده است. لذا چارچوب مفهومی این پژوهش مبتنی است بر آراء برخی از مهم‌ترین اندیشه‌هایی که تحلیل‌هایی از نقش عوامل مؤثر در جامعه‌پذیری افراد و در نهایت همنوایی آن‌ها با جامعه ارائه داده‌اند.

از آن جمله نظریاتی مانند دکترین بازدارندگی والتر رکلس، یادگیری اجتماعی بندورا و نظریه کاشت^۱ یا پرورش گربنر^۲ مورد استفاده قرار گرفته است و مفاهیمی را شامل می‌شود که تمرکز اصلی مطالعه بر آن استوار است. دکترین بازدارندگی والتر رکلس (۱۹۶۱) هم‌نوایی و نا هم‌نوایی را به عنوان دو واکنش متناوب نظام کنترل که رفتار انسان را تنظیم می‌کند و نظم می‌دهد بررسی می‌کند. او کنترل اجتماعی را خط دفاعی دوگانه‌ای می‌داند که جامعه را علیه کج رفتاری حاد محافظت می‌کند. مانع اول حفاظتی، جامعه‌پذیر شدن هریک از اعضای جامعه است که شامل ویژگی‌های شخصی مانند خودکنترلی (خویش‌داری)، خودپنداره و درونی کردن هنجارهای اجتماعی می‌شود. این مانع دفاعی را بازدارندگی درونی می‌گویند که شخص را برای مقاومت در برابر وسوسه‌های انحرافی توانا ساخته و موجب پیروی از هنجارها می‌شود (ستوده، ۱۳۸۳: ۱۴۰).

این مفهوم می‌تواند توضیح مناسبی از بخشی از دغدغه‌های مادران باشد که فضای مجازی را، افسارگسیخته و خارج از امکان کنترل و بازدارندگی می‌دانند. درحالی که بخش اعظمی از درونی کردن هنجارهای اجتماعی همواره در اصلی‌ترین نهاد اجتماعی یعنی خانواده و به واسطه جامعه‌پذیر شدن اعضا که از کارکردهای اصلی این نهاد است به وقوع می‌پیوندد. از سویی دیگر نمی‌توان سهم عوامل اجتماعی و حتی استعانت از آنها برای ایجاد الگوهای رفتاری سازنده را نادیده گرفت.

یادگیری اجتماعی و جامعه‌پذیری مدنظر بندورا به تأثیر رسانه‌های جمعی در زندگی روزانه شهروندان، اشاره می‌کند که محدود به تقویت یا تغییر نگرش‌ها و رفتارها نیست، بلکه می‌تواند منجر به کسب ارزش‌ها و نگرش‌ها و الگوهای رفتاری شود که از آن به آثار اجتماعی رسانه‌ها تعبیر می‌کنند. نظریه یادگیری اجتماعی بندورا به‌طور ویژه، با ارتباط جمعی در رابطه است. بر اساس این نظریه انسان‌ها بیشتر آنچه را که برای راهنمایی و عمل در زندگی نیاز دارند، فقط با تجربه و مشاهده مستقیم یاد نمی‌گیرند، بلکه عمده آن‌ها

1. Cultivation
2. Gerbner

به‌طور غیرمستقیم و به‌ویژه از طریق رسانه‌های جمعی آموخته می‌شود. ادعای اصلی باندورا این است که بیشتر رفتارهای آدمی، به‌صورت مشاهده رفتار دیگران و از طریق الگوبرداری یاد گرفته می‌شود.

نظریه یادگیری اجتماعی به‌طور گسترده‌ای برای مطالعه تأثیر رسانه‌ها مورداستفاده قرار می‌گیرد. نظریه کاشت یا پرورش گرنبر، نظریه دیگری است که بر کنش متقابل میان رسانه و مخاطبان و تأثیری که رسانه بر مخاطبان می‌گذارد، تأکید دارد. فرض اساسی این نظریه این است که بین میزان مواجهه و استفاده از رسانه و واقعیت‌پنداری در محتوا و برنامه‌های آن رسانه ارتباط مستقیم وجود دارد. به این صورت که ساعت‌های متمادی مواجهه با رسانه‌ای خاص باعث ایجاد نگرش و دیدگاه‌های موافق با محتوای رسانه می‌شود. درواقع نظریه پرورش با تعیین میزان و نوع برنامه‌های مورداستفاده از رسانه‌ها، میزان تأثیر را مطالعه می‌کند تا به سازوکار و نحوه تأثیر دست پیدا کند (کیخائی، ۱۳۹۲: ۵۸).

نظریه کاشت یکی از اشکال اثر رسانه‌ها در سطح شناختی بوده و مربوط به این موضوع است که قرار گرفتن در معرض رسانه‌ها تا چه حد می‌تواند به باورها و تلقی عموم از واقعیت خارجی، شکل دهد؟ نظریه کاشت با اشاعه برای ارائه الگویی از تحلیل، تبیین شده است تا نشان‌دهنده تأثیر بلندمدت رسانه‌هایی باشد که اساساً در سطح برداشت اجتماعی، عمل می‌کنند (احمدزاده کرمانی، ۱۳۹۰: ۳۳۶). بنابراین یکی از تأکیدهای کلیدی این نظریه را می‌توان بر نوع محتوایی دانست که افراد در زمان به‌کارگیری رسانه یا فضای مجازی خاص، با آن مواجه می‌شوند. بدین ترتیب ارائه محتوای جذاب‌تر به‌احتمال‌زیاد مخاطبین بیشتر و ماناتری را به‌سوی خود خواهد کشاند، در این میان نوجوانان همواره یکی از مهم‌ترین گروه‌های سنی‌ای خواهند بود که به دنبال محتوای جذاب و آموختن الگوهای رفتاری هیجان‌انگیزتر در ارتباطات خود هستند.

پس این نظریه نیز به‌نوعی به درک بهتر تفسیر مادران از واقعیت کمک‌کننده است. بنابراین از نظریات فوق که در برگیرنده مفاهیمی مانند کنترل اجتماعی، جامعه‌پذیری، رسانه و به تعبیری فضای مجازی هستند در مقام چارچوب مفهومی برای پیکربندی مصاحبه‌ها و حساسیت نظری و... استفاده شد.

سؤال‌های پژوهش

این پژوهش درصدد پاسخگویی به این سؤالات برآمده است که:

- مادران استفاده فرزندانشان از آموزش مجازی در دوران قرنطینه را چگونه تبیین

می‌کنند؟

- چه تدابیری را برای کنترل فرزندان از آسیب‌های فضای مجازی به کار می‌گیرند؟

روش‌شناسی

با توجه به آنکه این پژوهش کیفی به منظور فهم معنا و تجارب مادران درصدد پاسخگویی به سؤالات و اهداف پژوهش برآمده است، لذا در این پژوهش از روش تحلیل مضمونی استفاده شده است. میدان تحقیق در این پژوهش ۱۵ نفر از مادران ساکن تهران هستند که طریق نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند و دارای فرزندان محصل نوجوان ۱۱-۱۵ سال می‌باشند و در دوران شیوع ویروس کرونا فرزند نوجوانشان از طریق فضای مجازی، آموزش تحصیلی را دریافت کرده است. مشارکت‌کنندگان مایل بودند درباره تجربه زیسته خود صحبت کنند و تا جای ممکن به لحاظ تحصیلات، محل سکونت در مناطق مختلف شهر با یکدیگر متفاوت بودند تا امکان دستیابی به روایت‌های غنی و منحصر به فرد درباره یک تجربه خاص فراهم آید.

تعداد مشارکت‌کنندگان بر اساس ماهیت مطالعه و کیفیت اطلاعات جمع‌آوری شده تا زمان دستیابی به اشباع نظری تعیین گردید. به عبارتی دیگر تا زمانی که محقق فهم روشن‌تری از تجربه در صحبت‌های بعدی با مشارکت‌کنندگان به دست نمی‌آورد، مصاحبه‌ها ادامه می‌یافت. در این پژوهش مطابق با روش تحلیل مضمون محتوا، از مصاحبه عمیق و نیمه ساختاریافته استفاده گردید. سؤالات مصاحبه‌ها به منظور دستیابی به فهم دقیقی از شرایط کرونا حول موضوع چالش‌های آموزش مجازی، موضوعات و دغدغه‌های مادران در رابطه با آموزش مجازی و استفاده از فضای مجازی در دوران کرونا، شکل

گرفت. پیش از انجام مطالعه ابتدا تجربیات، باورها و پیش‌فرض‌های فردی محققان، بازنویسی شد تا ضمن آگاهی از آن‌ها، از تأثیر آن‌ها در تفسیر جلوگیری شود. برای بالا بردن صحت و اعتبار مطالعه، از روش‌هایی نظیر کنار گذاشتن دانش قبلی محقق، استفاده از نظرات محققان مختلف در جهت تحلیل درست و بی‌طرفانه، اعتبار پاسخگو و برگشت به شرکت‌کنندگان و سؤال از آن‌ها هنگام تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده گردید. جهت نمایش مضمون‌ها از دیاگرام درختی استفاده شد که بدنه اصلی آن را مفاهیم اصلی و شاخه‌ها را مفاهیم فرعی تشکیل داد. همچنین برای رعایت اخلاق پژوهش به شرکت‌کنندگان این اطمینان داده شد که مصاحبه‌ها به صورت محرمانه بوده و برای حفظ حریم شخصی افراد به هر کدام از شرکت‌کنندگان یک کد جهت گزارش اظهارات تعلق گرفت.

یافته‌ها

تحلیل مضمون، روشی است که هم برای بیان واقعیت و هم برای تبیین آن به کار می‌رود. البته، به دلیل ماهیت تفسیری تحلیل مضمون، باید به روایی و پایایی آن بیشتر توجه شود؛ این امر، مستلزم به‌کارگیری کدگذاران مستقل است و باعث می‌شود تحلیل مضمون در مقایسه با سایر روش‌های کیفی، دقت و زمان بیشتری طلب کند. فرایند کامل تحلیل مضمون را به سه مرحله کلان تقسیم نمودیم: الف- تجزیه و توصیف متن، ب- تشریح و تفسیر متن، و ج- ادغام و یکپارچه کردن مجدد متن. درحالی‌که همه این مراحل با تفسیر و تحلیل همراه است اما در هر مرحله از تحلیل سطح بالاتری از انتزاع به دست آمد. به دنبال شناخت الگوهایی از معانی و موضوعات در داده‌ها بودیم؛ این کار در طول جمع‌آوری داده‌ها اتفاق افتاد. همچنین این فرایند، فرایندی خطی نیست زیرا تحلیل مضمون، مستلزم فرایندی رفت و برگشتی در کل مجموعه داده‌هاست.

وقتی که همه داده‌ها، کدگذاری اولیه و گردآوری شد و فهرستی طولانی از کدهای مختلف در مجموعه داده‌ها، شناخته شد. در گام بعدی به تحلیل در سطحی کلان‌تر از

مواجهه مادران شهر تهران با آموزش مجازی، ... پروین و همکاران | ۲۰۱

کدها تمرکز کرده کدهای مختلف در قالب مضامین مرتب و همه داده‌های کدگذاشته مرتبط با هر یک از مضامین، شناخته و گردآوری شد.

اساساً در این مرحله کدها را تجزیه و تحلیل کرده و به نحوه ترکیب و تلفیق کدهای مختلف جهت تشکیل مضمون پایه توجه نمودیم. نقطه پایان این فرآیند نیز تهیه گزارشی از محتوا و معانی الگوها و مضامین در داده‌ها می‌باشد. در این مرحله با نوشتن نام هر کد همراه با توضیح خلاصه‌ای از آن به صورت جداگانه و قرار دادن آن در مضمون مرتبط، برای مرتب کردن کدهای مختلف در قالب مضامین بهره گرفتیم. سپس با تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش به پنج مضمون اصلی، آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی دانش‌آموزان، مخاطرات سلامت جسمی و روانی دانش‌آموزان ناکارآمدی آموزش مجازی و مزایای ادراک‌شده آموزش مجازی و پیشگیری اجتماعی رسیدیم. این پنج مضمون اصلی هر کدام از مضامین فرعی تشکیل شده‌اند که ابعاد مختلف آن را مشخص و تعریف می‌کند.

جدول ۱- مشخصات مادران مصاحبه شده

ردیف	تحصیلات مادر	شغل مادر	تعداد فرزندان مدرسه‌ای	سن فرزند	جنسیت فرزندان مدرسه‌ای
۱	کارشناسی ارشد	کارمند	۲	۱۲ و ۱۵ ساله	دختر - پسر
۲	کارشناسی	خانه‌دار	۱	۱۳	پسر
۳	دیپلم	خانه‌دار	۲	۱۱-۱۴	پسر - پسر
۴	کارشناسی	روانشناس	۱	۱۲	پسر
۵	دیپلم	خانه‌دار	۲	۱۱-۱۵	پسر - دختر
۶	کارشناسی ارشد	مدرس	۲	۱۳-۱۵	دختر - دختر
۷	کارشناسی	کارمند بخش خصوصی	۱	۱۲	پسر
۸	کارشناسی ارشد	مدیر موسسه تجاری	۲	۱۲-۱۴	پسر - دختر

۹	کارشناسی	معلم	۲	۱۱-۱۵	پسر- دختر
۱۰	کارشناسی	حسابدار	۱	۱۳	دختر
۱۱	کارشناسی ارشد	کارمند بانک	۲	۵-۱۲	دختر- دختر
۱۲	دیپلم	خانه‌دار	۳	۱۱-۱۳-۱۵	دختر- پسر- پسر
۱۳	کارشناسی	پژوهشگر	۱	۱۵	پسر
۱۴	دیپلم	کارمند بخش خصوصی	۱	۱۲	پسر
۱۵	دیپلم	خانه‌دار	۲	۱۱-۱۲	دختر- دختر

جدول ۲- مضامین استخراج شده از مصاحبه

مضامین اولیه	مضامین فرعی	مضامین اصلی
<p>تقلید از الگوهای نامناسب مجازی</p> <p>مواجهه با محتواهای نامناسب</p> <p>عدم امکان کنترل مداوم دانش‌آموز در فضای مجازی</p> <p>رها بودن نوجوانان در فضای مجازی</p> <p>تغییر ادبیات گفتاری متأثر از فضای مجازی</p> <p>عدم توانایی دانش‌آموزان در تشخیص محتواهای هنجار و ناهنجار</p> <p>مواجه شدن با ضد ارزش‌ها</p> <p>عدم آموزش فرهنگ استفاده از فضای مجازی</p> <p>تغییرات در نحوه پوشش و حتی سلیقه دانش‌آموزان</p> <p>احساس درک نشدن توسط مادران</p>	<p>شکاف بین نسلی</p>	<p>آسیب‌های فرهنگی</p> <p>اجتماعی دانش‌آموزان</p>
<p>تقاضای خرید گوشی شخصی</p> <p>چشم‌وهم‌چشمی دانش‌آموزان در خرید گوشی</p> <p>رقابت در خرید گوشی</p> <p>اهمیت به مدل گوشی</p> <p>برتری‌جویی در خرید گوشی</p>	<p>رشد فرهنگ</p> <p>مصرف‌گرایی در</p> <p>دانش‌آموزان</p>	

مواجهه مادران شهر تهران با آموزش مجازی، ... پروین و همکاران | ۲۰۳

	اختلال در جامعه‌پذیری دانش‌آموزان	کاهش تعاملات اجتماعی به علت قرنطینه و تعطیلی مدارس کاهش حضور اجتماعی دانش‌آموزان رشد فردگرایی کاهش قانون‌مداری اجتماعی در دانش‌آموزان جامعه‌گریزی گذراندن زمان بیشتر در فضای مجازی
مخاطرات سلامت جسمی و روانی دانش‌آموزان	اختلالات جسمی	چاقی کم‌ تحرکی اختلالات خواب آسیب به بینایی آسیب‌های مغزی
	آسیب‌های روانی	کم‌ حرفی افزایش پرخاشگری رشد افسردگی تغییرات رفتاری رشد انزواطلبی اعتیاد به فضای مجازی
ناکارآمدی آموزش مجازی	محقق نشدن کامل امر آموزش	نبود رابطه تعاملی در تدریس بی‌کیفیت دانستن آموزش مجازی بی‌علاقگی دانش‌آموزان در آموزش مجازی سختی تدریس دروس عملی به صورت مجازی نبود رابطه مؤثر بین معلم و دانش‌آموز کاهش نظارت معلم بر فرآیند آموزش دانش‌آموزان کاذب بودن نمرات دانش‌آموزان
	نبود زیرساخت جهت آموزش مجازی	پایین بودن سرعت نت قطع اینترنت در زمان تدریس گران بودن بسته‌های اینترنتی پایین بودن کیفیت اپلیکیشن‌های داخلی

مزایای ادراک‌شده آموزش مجازی	فرصت‌های آموزش مجازی	کاهش رفت‌وآمد کاهش خطر ابتلا به کرونا صرفه‌جویی در وقت و هزینه دسترسی آسان به محتواهای درسی جهت مرور عدم محدودیت زمانی در دریافت مطالب درسی حذف تکالیف و فعالیت‌های کلاسی غیرضروری
	افزایش توانمندی دانش‌آموزان در بهره‌گیری از فضای مجازی	آشنایی بیشتر دانش‌آموزان با روش‌های نوین آموزش رشد استقلال دانش‌آموزان در استفاده از فضای مجازی افزایش توانایی دانش‌آموزان در استفاده از فضای مجازی رشد مهارت‌های ارتباطی دانش‌آموزان در فضای مجازی توسعه مهارت‌های دانش‌آموزان در استفاده از نت بروز خلاقیت
پیشگیری اجتماعی	پیشگیری رشد مدار	چک کردن گوشی فرزندم به‌روزرسانی اطلاعات خودم از اپلیکیشن‌های فضای مجازی کنترل کردن دوستانم در فضای مجازی برنامه‌ریزی اوقات فراغت
	پیشگیری جامعه مدار	اقدامات آموزش و پرورش مانند برنامه شاد سیم‌کارت و اینترنت فیلتر شده دانش‌آموزی آگاه‌سازی دانش‌آموزان توسط معلمان برگزاری کارگاه و همایش‌های افزایش مهارت دانش‌آموزان افزایش برنامه‌های تفریحی سرای محلات

• مضمون آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی نوجوانان

با وقوع همه‌گیری کرونا و همچنین الزام مدارس به آموزش مجازی و استفاده از پیام‌رسان‌ها جهت پیگیری امر آموزش و گذراندن وقت بیشتر و درگیری بیشتر دانش‌آموزان با فضاهای مجازی، آسیب‌هایی در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی برای دانش‌آموزان ایجاد شد. این مضمون اصلی از سه مضمون فرعی، شکاف بین نسلی، رشد فرهنگ مصرف‌گرایی در دانش‌آموزان و اختلال در جامعه‌پذیری دانش‌آموزان تشکیل شده است.

اینترنت شکاف میان نسل‌ها را بیشتر کرده است و اکنون شکاف میان مادران و فرزندان در علاقه‌مندی به اینترنت نیز آشکار شده، به گونه‌ای که هیچ‌یک زبان دیگری را نمی‌فهمند. در شرایط فعلی روابط موجود میان والدین و دانش‌آموزان به سردی گرائیده و دو نسل به دلیل داشتن تفاوت‌های اجتماعی و تجربه‌های زیستی مختلف زندگی را از دیدگاه خود نگریسته و مطابق با بینش خود آن را تفسیر می‌کنند. مادران از اینکه فرزندان احساس می‌کنند به خاطر اختلاف سن توسط مادران درک نمی‌شوند شکایت داشتند و به نظر می‌رسد شکاف بین نسلی فرزندان و والدین مانع از درک شرایط هر یک از آنان و در نهایت دوری این دو نسل از یکدیگر می‌گردد.

مادر شماره ۱۵:

"وقتی از دخترم انتقاد می‌کنم که زیاد در فضای مجازی وقت می‌گذرانی بهم می‌گه منو درک نمی‌کنی و شماها با ما فرق دارین من همه چیم توی گوشیه و کار دیگه جز این ندارم بهم می‌گه تو این همه با تلفن حرف می‌زنی مگه من چیزی می‌گم نسل شما با تلفن حرف می‌زد حالا ما با گوشی مشغول هستیم. فیلم می‌بینم تو گوشیم. چرا فک می‌کنی کار اشتباه می‌کنم شماها دائم تو حیاط و کوچه با دوستانون بازی می‌کردین ولی من الان تو این شرایط نه بیرون و پارک میتونم برم و نه خونه دوستانم می‌زاری برم. تفریح دیگه ای جز گوشی ندارم."

مادر شماره ۳ چنین می‌گوید:

"به خاطر کلاس‌های مجازی من برای پسرم تبلت خریدم، بچه‌ها با دیدن سلبریتی‌ها و افراد معروف از نوع پوشش و سایر رفتارهاشون تقلید می‌کنند و این گاهی نگران‌کننده است."

علاوه بر این به علت عدم فرهنگ‌سازی در رابطه با نحوه استفاده از فضای مجازی در دانش‌آموزان و مواجهه یک‌باره آنان با این فضاها و ناچاری برخی خانواده‌ها جهت تهیه تبلت و یا گوشی شخصی برای دانش‌آموزان و عدم توانایی کنترل مداوم خانواده‌ها، بسیاری از دانش‌آموزان نوعی ره‌اشدگی در فضای مجازی را تجربه کردند.

مادر شماره ۱۰ چنین توضیح می‌دهد:

"من دوتا دانش‌آموزان داشتم خب مسلماً نمی‌شد با یه گوشی خودم دوتا شون کلاس

مجازی بروند برای همین برای پسرم تبلت خریدم هرچند خودم قلبا راضی نبودم و می‌خواستم کمی بزرگ‌تر شد برایش بخرم اما ناچار بودیم و خب دائم هم همیشه بچه رو کنترل کرد، اینا هیچ آموزشی درباره استفاده از فضای مجازی ندیده بودن و یکباره کرونا اومد و وارد فضای مجازی شدن".

در طی مصاحبه خانواده‌ها به برخی تغییرات گفتاری فرزندانشان تحت تأثیر فضاهای مجازی اشاره داشتند، آنان ابراز می‌داشتند که ادبیات گفتاری، نوع پوشش و حتی سلیقه فرزندانشان در این مدت استفاده مداوم از فضاهای مجازی به بهانه کلاس‌های مجازی، تغییر کرده است.

• مضمون فرعی دیگر رشد فرهنگ مصرف‌گرایی در دانش‌آموزان بود، آنچه تاکنون آمد بحث آموزشی و پرورشی دانش‌آموزان بود اما علاوه بر آن‌ها آنچه جنبه روانی قضیه را بیشتر می‌کند فشار مالی است که برای دسترسی یک دانش‌آموز به فضای مجازی برای یادگیری بر خانواده‌ها تحمیل شده است این بار مالی می‌تواند به بخش‌های زیر تقسیم شود:

✓ خرید ابزار کارآمد شامل، گوشی یا تبلت در خانواده

✓ خرید سیم‌کارت برای دانش‌آموز

✓ افزایش قیمت ناگهانی گوشی و تبلت نسبت به سالیان قبل

✓ عدم تخصیص اینترنت فیلتر شده مخصوص دانش‌آموزان

مادر شماره ۷ چنین توضیح می‌دهد:

"متأسفانه بین پسر و همکلاسی‌هاش یه جو رقابتی برای خرید گوشی و تبلت ایجاد شده، بچه‌ها درباره کارایی‌ها و امکانات گوشی‌هاشون باهم رقابت دارن. میدونن کدوم مدل گوشی بالاتره و دوست دارن بهترین رو داشته باشن."

ایجاد فرصت جدیدی برای رشد فرهنگ مصرف‌گرایی باعث افزایش خرید وسایل ارتباط جمعی در دانش‌آموزان و رقابت بر سر خرید کالای بهتر بدون در نظر گرفتن

کارایی و فقط جهت خودنمایی جمعی را می‌توان یکی دیگر از آسیب‌های فرهنگی وارده بر دانش‌آموزان در دوران آموزش مجازی دانست.

• مضمون فرعی دیگر که یکی از ابعاد آسیب فرهنگی و اجتماعی به دانش‌آموزان در دوران آموزش مجازی و قرنطینه‌های خانگی است، اختلال در جامعه‌پذیری دانش‌آموزان بود. مادران با بیان اینکه فرزندانشان در این مدت از حضور در مدرسه محروم بوده و بعلاوه خطر ابتلا به بیماری کرونا و همچنین آموزش مجازی بیشترین زمان خود را در منزل سپری کرده و از حضور اجتماعی محروم بودند ابراز نگرانی داشتند. مطابق با نظریه یادگیری اجتماعی بندورا رسانه‌ها از جمله رسانه‌های ارتباط جمعی و فضای اینترنتی تأثیر مستقیم بر دانش‌آموزان دارند. در این راستا همت و همکاری خانواده و مدرسه و بهره‌گرفتن از مددکاران اجتماعی حوزه‌های آسیب برای هدایت و حمایت از دانش‌آموزان در استفاده از فضای غیرحضوری آموزش‌ها ضروری است.

نباید این مهم را از نظر دور داشت که در نهایت آنچه تعیین‌کننده روابط اعضای خانواده با یکدیگر خواهد بود مهارت‌های ارتباطی و فضای گفت‌وگو مشترک آنان است و با شناخت، رعایت و کنترل جوانب ابعاد حاکم بر این پدیده، افراد می‌توانند با حضور در این فضا حمایت‌های نسبی نیز به دست آورند (فلاحی، ۱۳۹۵: ۱۶۳). اما در صورتی که مهارت و نقاط مشترک گفتگو وجود نداشته باشد، فضای مجازی جاذبه‌های بسیاری را برای پر نمودن این خلأ ارائه خواهد کرد که ممکن است مورد قبول هنجارهای اجتماعی خانواده و جامعه نباشد.

مادر شماره ۱۵ بیان می‌دارد:

"بچه‌ها قبل از کرونا به مدرسه می‌رفتند و آنجا با هم کلاسی هایشان رابطه دوستانه و رودررویی برقرار می‌کردند اوقاتی که در مدرسه می‌گذروندند با دوستانشان بازی می‌کردند و حتی برای اوقات فراغت خودشان و آخر هفته هم برنامه می‌چیدند ولی الآن چون از اول سال مدرسه نرفتند حتی دوست جدید پیدا نکردند و رابطشان با همکلاسی‌های قبلی‌شان به خاطر طولانی شدن تعطیلی مدارس کم‌رنگ شده و حتی

تمایلی به برقراری صحبت با همکلاسی‌ها ندارند بنابراین بیشتر با گوشی و حتی دوستان مجازی در ارتباط هستند که این نگرانی من را بیشتر کرده وقتی با کسانی که نمیشناسمشون در ارتباط هستند.

مضمون اصلی دیگر:

❖ مخاطرات سلامت جسمی و روانی دانش‌آموزان: این مضمون به آسیب‌های جسمانی و روانی وارد بر دانش‌آموزان بر اثر آموزش‌های مجازی و تعطیلی مدارس به صورت حضوری اشاره دارد.

مادران در مصاحبه‌ها با ابراز نگرانی از آسیب‌های استفاده از فضای مجازی حتی برای آموزش ابراز می‌داشتند که فرزندان آن‌ها در خطر آسیب‌هایی به چشم و مغز قرار دارند، با افزایش استفاده از تلفن‌های همراه برای مطالعه دروس و شرکت در کلاس‌های آنلاین، ممکن است علائم بینایی (خستگی چشم، خشکی چشم، درد، سوزش، قرمزی و...)، علائم چشمی (تاری دید) و عضلانی اسکلتی (درد گردن و شانه) که در مجموع به عنوان سندرم بینایی رایانه (CVS)^۱ شناخته می‌شوند را تجربه کنند. همچنین چاقی کم‌حرکی نیز از دیگر آثار تکنولوژی است.

• علاوه بر مخاطرات جسمانی، آسیب‌های روانی نیز یکی از مضامین فرعی به دست آمده از مصاحبه‌ها بود، مادران با اشاره به رشد انزواطلبی، افزایش پرخاشگری و حتی کم‌حرفی در فرزندانشان، این اختلالات را با رشد استفاده از فضای مجازی در دوران قرنطینه‌های خانگی و عدم حضور اجتماعی فرزندشان خصوصاً در مدرسه، در ارتباط می‌دانستند.

مادر شماره ۱۰ ضمن ابراز نگرانی از تغییرات روانی در فرزندش اشاره می‌کند:

"الآن همش سر بچه‌ها توی گوشی است و خب کلاس مجازی هم بهونه شون هست. پسر من اکثراً تو عالم خودشه، گاهی تا آخر شب بجز چند کلمه محدود با من و پدرش حرف دیگه ای نمیزنه. قبلاً این طوری نبود از مدرسه که می‌آمد از اتفاقات مدرسه برامون

می گفت ولی الآن هیچی. به نظرم بچه‌ها خیلی بیشتر از ما از کرونا آسیب دیدن." "اعتیاد به اینترنت شایع‌ترین اعتیاد بدون مواد مخدر در دنیای مدرن است که فعال‌ترین گروه در این بخش نسل نوجوان هستند و در ایام شیوع کرونا به دلیل آموزش غیرحضوری و مجازی درصد استفاده نوجوانان از فضای مجازی افزایش داشته است. اعتیاد به اینترنت نوعی وابستگی رفتاری است که شخص برای مقابله با مشکلات از آن استفاده می‌کند و نوجوانان هم از این قاعده مستثنی نیستند، اعتیاد به اینترنت اغلب در سنین نوجوانی رخ می‌دهد.

مضمون اصلی دیگر استخراج شده از مصاحبه‌ها

❖ ناکارآمدی آموزش مجازی در مدارس: این مقوله دارای دو مضمون فرعی، نبود زیرساخت جهت آموزش مجازی و محقق نشدن کامل امر آموزش مجازی است. متأسفانه اکثر مدارس، جهت آموزش مجازی از پیام‌رسان‌هایی استفاده می‌کردند که امکان تعامل چهره به چهره و لحظه‌ای را برای دانش‌آموزان با معلم فراهم نمی‌کرد. مادران در مصاحبه‌ها از نبود رابطه تعاملی بین فرزندشان با معلم ابراز نگرانی داشته و تدریس در بستر فضاهای مجازی مورد استفاده توسط مدارس را فاقد توانایی ایجاد رابطه تعاملی دانش‌آموز با معلم می‌دانستند، فضاهایی مثل شاد یا حتی واتساپ که در غالب مدارس جهت آموزش مجازی استفاده می‌شد.

مادر شماره ۱۲ اظهار کرد:

"مشکل دیگری که وجود دارد این است که هر جا هر معلمی دلش خواست کلاس را در تلگرام، واتس‌آپ، شاد و... برگزار می‌کند و روزی دو تا سه ساعت کلاس آنلاین برگزار می‌شود. برخی معلم‌ها با همین بضاعت‌ها دلسوزانه کار می‌کنند ولی برخی می‌گویند چرا پول اینترنت بپردازیم. مثلاً معلم عربی فرزند من یک ویس می‌گذارد و روخوانی می‌کند. این دیگر نیازی به معلم ندارد! در حال حاضر به نظر می‌رسد واقعاً آموزش‌ها سطح پایینی دارد و همین‌طور قرار است سال تحصیلی برگزار شود. ما سال قبل شاهد افت عملکرد فرزندان بودیم و می‌دانم نمراتی که به فرزندم دادند کاذب است."

اکثر مادران از روش‌های ارزیابی معلمان و نحوه تشویق و تنبیه معلمان راضی نبودند و نسبت به امتحانات و نمرات حاصل از آن اطمینان نداشتند و حتی این روش فرزندانشان را نسبت به کسب دانش و حل تمارین و تکالیف بی‌انگیزه کرده بود؛ زیرا رقابت و تلاش برای نمره بیشتر معنای خودش را ازدست‌داده بود و معلمان تدابیری برای فعالیت بیشتر نمی‌اندیشند. البته در بعضی از مدارس غیردولتی از روش‌هایی مانند آموزش تصویری یا استفاده از پاور پوینت استفاده می‌کنند که خیلی بهتر است و برای دانش‌آموزان هم جذابیت دارد.

مقوله فرعی دیگر نبود زیرساخت‌ها جهت آموزش مجازی بود. مادران ضمن بیان دغدغه‌هایی چون پایین بودن سرعت نت، قطع اینترنت در زمان کلاس و اختلالات شبکه نت، گران بودن بسته‌های اینترنتی و همچنین پایین بودن کیفیت اپلیکیشن‌های داخلی در انتقال محتوای آموزشی، به این نکته اشاره داشتند که در کنار پایین بودن کیفیت آموزش مجازی و عدم تحقق کامل امر آموزش در آموزش مجازی که برای دانش‌آموزان وجود داشت مشکلات مربوط به زیرساخت‌های اینترنت در کشور نیز به ناکارآمدی آموزش مجازی با روندی که دانش‌آموزان سپری کردند صحنه گذاشت.

مادر شماره ۵ چنین می‌گوید:

"واقعاً شاد سرعت پایینی داشت، فیلم‌ها با تأخیر می‌آمد و بچه‌ها را اذیت می‌کرد. علاوه بر این سرعت نت گاهی خیلی پایین بود."
مادر شماره ۶ در بیان دغدغه‌اش درباره آموزش فرزندش چنین ابراز کرد:
"کلاس بچه‌ها توی شاد بود و گاهی هم تو واتساپ، پسر من که اصلاً نمی‌نشست. چون اصلاً با معلمش ارتباطی برقرار نمی‌کرد. آموزش اینجوری به نظرم اصلاً خوب نبود و بچه‌ها خیلی موضوعات را خوب یاد نگرفتند."

برای استفاده بهینه کاربران دانش‌آموز باید آموزش دقیق استفاده از هرکدام از جلوه‌های فضای مجازی مورد توجه قرار گیرد دانش‌آموزان باید به‌طور دقیق نحوه عملکرد و هدف از ایجاد یا مفهوم تولید اپلیکیشن‌ها یا جست‌وجوگرهای اینترنتی را بشناسند.

دانش‌آموزان باید بدانند که چیزی به نام سرچ گوگل، اپلیکیشن اینستاگرام، واتساپ، سروش یا تلگرام چه کارایی دارد تا برحسب ضرورت در امور درسی، پژوهشی و مهارت‌آموزی از آن استفاده کنند. مادران نیز نباید از آموزش سواد رسانه‌ای غافل شوند زیرا برای نظارت فرزندانشان در فضای مجازی به این مهارت نیاز دارند.

علاوه بر مضامینی که مربوط به مضرات و آسیب‌های فضای مجازی بود بعضی از مادران هم از این شرایط و آموزش مجازی رضایت داشتند که به نوعی ما را در یافتن پاسخ یکی از پرسش‌های فرعی پژوهش در خصوص مزایای درک شده توسط مادران در فضای مجازی هدایت می‌کند. این نشان می‌دهد فواید آموزش مجازی از نظر مادران دور نمانده است.

❖ مزایای ادراک شده آموزش مجازی از آن‌ها نام برده‌ایم و شامل دو مضمون فرعی فرصت‌های آموزش مجازی و افزایش توانمندی دانش‌آموزان در فضای مجازی است.

فرصت‌ها: یکی از مهم‌ترین نکات که مادران به آن اشاره می‌کردند کمبود کاهش نگرانی در رابطه با سلامت فرزندانشان بود. همچنین گسترش محیط آموزشی به فضای آنلاین و عدم محدودسازی کادر آموزشی و دانش‌آموزان به یک مکان خاص مانند ساختمان مدرسه یا آموزشگاه از نظر این مادران نقطه قوت آموزش آنلاین محسوب می‌شد. در گذشته زمان زیادی در ترافیک می‌گذشت و یا هزینه سرویس بچه‌ها سنگین بوده که الآن این مسائل کمرنگ شده است.

مادر شماره ۱۴:

"پیج‌هایی که اطلاعات عمومی دارن به فرزند من خیلی کمک می‌کند و باعث افزایش اطلاعاتش شدن. خب شاید جواب خیلی از سؤال‌ها را من هم ندانم ولی وقتی فرزندم از فضای مجازی کمک می‌گیرد و سراغ مطالب علمی و جهانی می‌رود راجع به مسائل فیزیک و... مطالعه می‌کند، اطلاعاتش زیاد می‌شه."

مادر شماره ۳ هم به این نکته اشاره کرده است:

"خوب اینکه به اطلاعات علمی جامعی دسترسی دارند و هر وقت سؤالی پیش میاد، یا حتی خودمون سؤال برامون پیش میاد سریع جوابه صحیح را از گوگل پیدا میکنه."

بعضی از مادران هم نقش مثبت فضای مجازی را در عرصه ظهور خلاقیت مورد تأکید قرار دادند؛ زیرا فن آوری دیجیتال و جامعه شبکه‌ای، افراد را به سوی زندگی‌ای سوق داده است که در آن می‌توانند با اتخاذ نقشی فعال و خلاق، به صورت فردی یا جمعی در ساختن چیز جدیدی سهیم باشند، در فرایند هم آفرینی شرکت کنند و به خودیابی خویشتن کمک کنند.

مادر شماره ۹:

"قبلاً تمام تحقیقاتش را من از فضای مجازی سرچ می‌کردم ولی الآن خب خودش یاد گرفته و مستقل تر شده و مجبوره که ساعات زیادی که من سرکار هستم خودش تکالیفش را انجام دهد. قبلاً بهانه وقت نداشتن و اینکه شب باید زود بخوابم و بهانه‌های دیگری می‌آورد ولی خب الآن جایی برای بهانه نمی‌بینم. وقتی می‌بینم دائم در فضای مجازی می‌چرخه بهش میگم کارهاتم خودت انجام بده."

❖ مضمون اصلی دیگر پیشگیری اجتماعی است که به دو مضمون فرعی رشد مدار و جامعه مدار تقسیم می‌شود:

مفاهیم مستخرج از مصاحبه‌ها در خصوص یکی دیگر از پرسش‌های فرعی پژوهش در این مورد که مادران چه تدابیری را برای کنترل فرزندان از آسیب‌های فضای مجازی به کار می‌گیرند؟ و همچنین این سؤال پژوهش که پیشنهاد مادران برای بهره‌وری بیش تر فرزندان از آموزش در فضای مجازی در دوران کرونا چه می‌باشد؟ منجر به شناسایی یکی دیگر از مضامین اصلی پژوهش یعنی پیشگیری اجتماعی گردید که خود شامل پیشگیری رشد مدار و جامعه مدار است. پیشگیری اجتماعی مبتنی بر علت شناسی جرم و مستلزم قبول این واقعیت است که عوامل مختلفی در تکوین جرم نقش دارند. در این پیشگیری توجه زیادی به علل بنیادی وقوع جرم می‌شود و بر این عقیده استوار است که جرائم در اثر نارسایی‌های اجتماعی به وقوع می‌پیوندند.

هدف پیشگیری اجتماعی این است که به‌طور مستقیم از مجرم شدن افراد یعنی تبدیل بزهکاران بالفعل جلوگیری نماید و مجرمان بالفعل و بالقوه را از خطاهای آنی منصرف

کند. سیاست‌های اجتماعی پیشگیری از جرم در طیف وسیعی از سیاست‌های اجتماعی مؤثر در تکوین جرم مانند سیاست‌های خانواده، آموزش و پرورش، اشتغال، بهداشت، مسکن و طراحی نواحی شهری و روستایی و قرار می‌گیرد. در این روش، مداخلاتی در محیط انجام می‌شود تا جرم‌زایی و مجرم‌پروری کاهش یابد.

این محیط‌ها می‌تواند خانواده (ارتباط با والدین، محیط متشنج، گسست خانواده، تأثیر رفتار والدین، تأثیرات روابط عاطفی و...) یا مسکن باشد که خود دو بخش اصلی دارد: مسکن انتخابی (شغل، تفریح، ارتباط جمعی، گروه‌های سازمان‌یافته، باندهای گروهی) و تحمیلی (خانواده، محل تحصیل، سربازی، اردوها، زندان‌ها) لذا پیشگیری اجتماعی شامل اقداماتی در خصوص محیط‌های پیرامون فرد است که در فرایند جامعه‌پذیری و اجتماعی شدن نقش داشته و دارای کارکرد اجتماعی هستند.

پیشگیری اجتماعی خود به ۲ شاخه تقسیم می‌شود که عبارت است از: پیشگیری اجتماعی جامعه مدار و پیشگیری اجتماعی رشدمدار. پیشگیری اجتماعی جامعه مدار در تلاش است تا با اتخاذ تدابیر و اقدامات مناسب برای از بین بردن یا کاهش عوامل جرم‌زا بر محیط اجتماعی و عمومی اثر گذارد، اما پیشگیری اجتماعی رشدمدار به دنبال آن است که با شناسایی عوامل خطر، تقویت حمایتی و مداخله زودرس به‌ویژه درباره اطفال و نوجوانان از ارتکاب به بزهکاری پیشگیری کند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۱: ۵۴).

پیشگیری اجتماعی رشدمدار (پیشگیری زودهنگام) مجموعه اقداماتی است که برای شناسایی عوامل خطر و مداخله‌های به‌موقع نسبت به کسانی که به دلیل داشتن وضعیت خاص در معرض ارتکاب جرم قرار می‌گیرند صورت می‌پذیرد. به این نحو که با مداخله‌های به‌موقع جلوی بزهکاری و تداوم گرایش بزهکاران به آن‌ها را بگیرند (نیازپور، ۱۳۸۲: ۱۲۴). از مشخصه‌های پیشگیری رشدمدار در فضای سایبر عام الشمول بودن آن است بدین معنی که تمام کودکان و نوجوانان زیر ۱۸ سال با هر وضعیت فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی را شامل می‌شود. باوجود آنکه پیشگیری اجتماعی رشدمدار اطفال و نوجوانان را مبنا قرار می‌دهد اما پیشگیری اجتماعی جامعه مدار کل جامعه را مدنظر قرار

می‌دهد و مجموعه اقدامات و تدابیری است که با مداخله در جهت سالم‌سازی و بهبود شرایط زندگی به دنبال ترمیم و رفع مسائل جرم‌زا است. در ابتدا یافته‌هایی که به‌طور غیرمستقیم در مصاحبه‌ها به اقدامات رشدمدار اشاره می‌کنند ذکر می‌شود:

مادر شماره ۱:

"من فکر می‌کنم نقش ما مادران و کلاً نظارت خانواده هم بر فضای مجازی مهم است اینکه فرزندم فکر نکند هیچ کنترلی بر او نیست و کاملاً در فضای مجازی و چرخیدن در آن رهاست. من خودم گاهی اوقات بدون متوجه شدن خودش به گوشیش سرک می‌کشم و سعی می‌کنم فعالیت‌هایش را چک کنم شاید کار درستی نباشد. ولی خب آگه این کار را نکنم نگرانیم بیشتر می‌شود. واقعاً می‌خواهم بدانم این همه مدت که سرش تو گوشیش است، مشغول چه کاری است. یا به او می‌گویم دوست ندارم برای گوشیت رمز شخصی بزاری."

مادر شماره ۵:

"اوایلش که شبکه‌های اجتماعی مثل واتس‌آپ و اینستاگرام مد شده بود من خودم خیلی دنبالش نبودم ولی خب با وجود مخالفتم نتونستم جلوی بچمو بگیرم وقتی اون ریخت و من تو گوشیش می‌دیدم اصلاً برام عجیب و غریب بودند و ازشون سر در نمی‌آوردم مدتی که گذشت دیدم اینجوری همیشه و نمیتونم بچمم کنترل کنم به خاطر همین سعی کردم یاد بگیرم و علی‌رغم میل باطنی خودم این برنامه نصب کردم حالا دروغ چرا بعدش خودمم خوشم اومد و واقعاً مخصوصاً توی این دوران کرونا آگه این نبودن آدم به شدت حوصلش سر می‌رفت."

از مصاحبه‌های متعدد دیگر این مفهوم استنباط می‌شد که مادران باید از طریق رسانه‌ها مجلات و حتی کلاس‌های آموزشی سواد فضای مجازی و دیجیتالی خود را افزایش دهند که متناسب با فرزندان و رشد روزافزون فضای مجازی باشد. مادرانی که هم‌پا با فرزندان به‌روزرسانی می‌شوند و با فرزندان موضوعات و صحبت‌های مشترک دارند ارتباط بهتری میانشان برقرار می‌شود.

با توجه به نگرانی‌های متعدد والدین در خصوص حضور فرزندان در فضای مجازی، ارائه آگاهی توسط مددکاران اجتماعی حوزه‌های آسیب (مددکاران اجتماعی اورژانس اجتماعی) به معلمان و والدین به منظور شناخت نیازهای روانی نوجوانان و اهمیت قائل شدن برای آن (با توجه به تغییر خلق و خوی نوجوانان و تمایل آن‌ها به انزوا و یا تعامل با دوستان نزدیک و یا جنس مخالف)، صبوری والدین را می‌طلبد و درعین حال تلاش آن‌ها برای حفظ خونسردی و ایفای نقش دوست و یافتن مباحث موردعلاقه برای تعامل متقابل از موارد مؤثر در پیشگیری از آسیب‌های فضای مجازی بشمار می‌آید.

مادر شماره ۱۲:

"من به شدت به دوستان پسر و کسانی که باهاش در ارتباط هستند اهمیت میدم چون اعتقاد دارم خب تو این سن چه بخوایم چه نخوایم بچه‌ها با دوستانشون راحت‌ترند خیلی چیزها را از اونا یاد می‌گیرند به خاطر همین خودم میگم مثلاً ناهار درست می‌کنم با دوستت بیا خونه یا عصرونه بریم بیرون. من حتی سعی می‌کنم با مادرشونم آشنا بشم اینجوری وقتی بچه خودم میره خونه دوستش خیالم راحت تره الانم که مدرسه‌ها و باشگاه‌ها تعطیل شده واقعاً دلم میسوزه. بنده خداها صبح تا شب تو خونن واقعاً تنها جایی که میشه بروند همون منزل دوست یا همسایه است. بنابراین توجه به اوقات فراغت نوجوانان و جوانان به منظور هدفمندسازی آن با اهمیت است. برگزاری کلاس‌های نشاط دانش‌آموزی به صورت مجازی در ساعات مشابهی در کشور که با شعرخوانی دسته‌جمعی و حرکات ورزشی و موزیک همراه باشد می‌تواند فضای مجازی را از بستری برای انزوای دانش‌آموز به بستری پر نشاط و اجتماعی تبدیل کند."

مادر شماره ۸:

"الآن به خاطر شیوع کرونا خیلی حوصله بچه‌هام سر میره و واقعاً کلافه می‌کنند از بس غر می‌زنند و میگن حوصلمون سر رفت و به دنبالش مصرف اینترنت تو خونمونم چهار پنج برابر قبل شده، با مشاور مدرسه که صحبت کردم بهم پیشنهاد داد که بچه‌ها رو با روش‌های دیگه مثل بازی فکری فیلم دیدن و حتی در ساعات خلوت‌تر به بیرون ببرم چون معلوم نیست تا کی آموزش‌ها مجازی باشند و کرونا باشه. حتی دو سه بار بلیت سینما

گرفتم چون از دوستاش شنیده بودم سانس های سینما نهایت ده نفر هستند. خب خیلی خوب بود واقعاً روحیه بچه‌ها حتی خودم عوض شد، احساس می‌کردم بچه‌ها دارن افسرده و گوشه‌گیر می‌شوند و وابستگی‌شون به اینترنت هم بیشتر شده بود دیگه به فکر افتادم به سری برنامه‌ریزی‌هایی داشته باشیم."

به نظر می‌رسد برقراری ارتباط با مشاورین مدرسه جهت هدایت دانش‌آموزان و والدین در زمان وقوع اپیدمی‌ها می‌تواند از میزان تنش بین نوجوان و والدین بکاهد و راه‌حل‌های بهتری را برای مدیریت اوقات فراغت ارائه کنند. از مجموعه مصاحبه‌هایی که با مادران انجام شد بسیاری از آن‌ها به توقعات و انتظارات خود نسبت به سیستم آموزشی در سطح کلان اشاره می‌کردند که به سطح پیشگیری جامعه مدار به منظور کاهش عوامل آسیب‌زا مربوط می‌شود. آن‌ها بیان نمودند در منزل هرچند تلاش کنند که فرزندانشان را از آسیب‌های فضای مجازی مطلع کنند باز آن‌ها بسیاری از اوقات را در ارتباط با مدرسه هستند و ما انتظار داریم که آموزش و پرورش تمهیداتی را در این مورد به کار برد.

پیشگیری جامعه مدار می‌تواند شامل ارائه سیم‌کارت‌هایی تحت عنوان سیم‌کارت دانش‌آموزی باشد که والدین بتوانند با تهیه کردن این نوع سیم‌کارت برای فرزند خود، بستر مناسب فضای آموزشی را فراهم کرده و همچنین بر فعالیت و نوع استفاده فرزندان از سیم‌کارت و فضای مجازی نظارت داشته باشند. تخصیص اینترنت فیلتر شده و رایگان مخصوص دانش‌آموزان از سوی سازمان فناوری اطلاعات جهت کاهش دغدغه‌ها و تنش‌های والدین و دانش‌آموز.

به‌طور مثال مادر شماره ۱۰ عنوان نمود:

"من دائم نگران این هستم که بچم با چه محتویاتی در اینترنت مواجه میشه اولش که آموزش مجازی شد گفتند برای دانش‌آموزان سیم‌کارت دانش‌آموزی طراحی میشه و امنیت بالاتری دارد و یا اینکه محتوای آموزشی فقط داخل شبکه شاد ارائه می‌شود. بعد از مدتی از هیچ کدوم خبری نشد. سیم‌کارت ثبت‌نام کردیم هم من هم تعدادی دیگر از مادران مدرسه فرزندم ولی بهمون تحویل ندادند شبکه شاد هم اصلاً کیفیت نداره دائم اینترنت قطع میشه و سرعتش خیلی پایینه دیگه در این موارد از من مادر چه کاری برمیاد به

چیزی هم باید آموزش و پرورش بر عهده بگیرد من هرچه سعی کنم وقتی پشتوانه‌ای نباشه
چیکار کنم."

مادران دیگر اشاره داشتند می‌توان تهیه و تدوین محتوای آموزشی، مهارتی و روان‌شناختی برای دانش‌آموزان همه دوره‌های تحصیلی به منظور آگاهی از تهدیدات کنترل نشده فضای مجازی (آسیب‌های فرهنگی، اخلاقی، روانی اجتماعی، سلامت جسمانی، تحصیلی) را مدنظر قرارداد. انعطاف‌ناپذیری نظام آموزشی، اختلاف سطح مدارس دولتی و غیردولتی مراکز استان‌ها و شهرستان‌ها و روستاها، توزیع ناعادلانه آموزگار و امکانات آموزشی در سطح کشور بیانگر ناکارآمدی سیستم آموزشی و لزوم بازنگری در آن است.

آگاهی مربیان و معلمان از اصول بهداشت روانی باعث می‌شود که دانش‌آموزان در کلاس تشویق شوند و مشکلات روزمره خود را حل کنند و تصورات خود را در زمینه زندگی اجتماعی به محک آزمایش بگذارند. باید تدابیری اندیشیده شود که همه خانواده‌ها به شرکت همیشگی و مداوم در جلسات آموزش خانواده و اولیاء و مربیان ترغیب شده و حضوری پررنگ داشته باشند، زیرا این جریان در واقع میانبری است به‌سوی نگرشی نواز رفتار و کردار دانش‌آموزان که میزان آسیب‌پذیری آن‌ها را در برابر انواع ناهنجاری‌های اخلاقی کاهش می‌دهد.

بحث و نتیجه‌گیری

به منظور دستیابی به معنای ذهنی و درونی مادران دارای دانش‌آموز نوجوان دختر و پسر در خصوص آموزش فرزندانشان در فضای مجازی بررسی و مصاحبه‌های متعددی صورت گرفت که در نتیجه از تعداد ۶۴ مضمون اولیه، ۱۱ مضمون فرعی حاصل شد که با ادغام آنها ۵ مضمون اصلی شکل گرفت. آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی دانش‌آموزان، مخاطرات سلامت جسمی و روانی دانش‌آموزان، ناکارآمدی آموزش مجازی و مزایای ادراک‌شده آموزش مجازی و پیشگیری اجتماعی از جمله مقوله‌های اصلی بودند که

استخراج شدند. در زیرمجموعه عامل آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی دانش‌آموزان، آسیب‌پذیری دانش‌آموزان در فضای مجازی، رشد فرهنگ مصرف‌گرایی در دانش‌آموزان و اختلال در جامعه‌پذیری دانش‌آموزان به‌عنوان مضامین فرعی استخراج شدند.

مخاطرات سلامت جسمی و روانی دانش‌آموزان هم عامل دیگری بود که شامل مضامین فرعی اختلالات جسمی و آسیب‌های روانی است. عامل بعدی ناکارآمدی آموزش مجازی است که شامل مضامین فرعی محقق‌نشدن کامل امر آموزش و نبود زیرساخت جهت آموزش مجازی است. عامل مزایای ادراک‌شده آموزش مجازی شامل فرصت‌های آموزش مجازی و افزایش توانمندی دانش‌آموزان در بهره‌گیری از فضای مجازی، دیگر مقوله‌های اصلی این پژوهش را تشکیل می‌دادند. درنهایت از مضمون اصلی پیشگیری اجتماعی، دو مضمون فرعی پیشگیری جامعه‌مدار و پیشگیری رشد‌مدار حاصل شدند که اهمیت طرح مداخلات پیشگیری اجتماعی به‌منظور پیشگیری و کاهش آسیب‌های اجتماعی از طریق آموزش و توانمندسازی افراد (پیشگیری رشد‌مدار) و همچنین پیشگیری از طریق کاهش مخاطرات محیطی (پیشگیری جامعه‌مدار) را نشان می‌دهد.

با توجه به پیشینه تجربی پژوهش، یافته‌های پژوهش حاضر و تحلیل وضعیت موجود اهمیت نظریات کنترل اجتماعی و جامعه‌پذیری و یادگیری در طراحی مدل‌هایی که منجر به جامعه‌پذیری مجدد دانش‌آموزان شود مورد توجه قرار گرفت. ارائه یافته‌ها نشان داد یکی از دلایل عضویت در شبکه‌های اجتماعی مجازی حس تعلق و عضویت در یک گروه است. در سایه تعاملات شبکه‌ای به‌رغم فاصله فیزیکی، نزدیکی عاطفی اعضا نیز احساس می‌شود.

در مقالاتی مانند محمدی و همکاران (۱۳۹۷) بررسی راهکارهای اجتماعی پیشگیری از بزهکاری نوجوانان، توسط خانواده، مدرسه و رسانه انجام شده و یا در پژوهشی تحت عنوان پیشگیری رشد‌مدار در خصوص بزهکاری کودکان و نوجوانان در فضای سایبری، راهگشا و همکاران (۱۳۹۶) بیان نمودند که پیشگیری از وقوع بزهکاری و جرم انواع

مختلفی دارد که یکی از کارآمدترین آن‌ها خصوصاً در سنین کودکی و نوجوانی پیشگیری رشد مدار می‌باشد.

مطالعه حاضر نشان داد که آموزش مجازی، نظارت مستمر و مجدانه خانواده را می‌طلبد. هم‌اکنون بخش قابل توجهی از والدین باسواد هستند و می‌توان با آموزش مناسب از آن‌ها برای نظارت و ارزیابی فرزندان استفاده کرد. این یافته با نتایج پژوهش پائودل^۱ در خصوص ویژگی‌های اساسی آموزش آنلاین برای کاربران مانند آموزش مهارت‌های مدیریت زمان، آمادگی فنی و سواد رایانه‌ای منطبق است. همچنین مادران به صورت غیرمستقیم با پیشنهاد ارتقای اپلیکیشن‌های آموزشی مدارس جهت برقراری امکان گفتگوی چهره به چهره به پیشگیری اجتماعی جامعه مدار که همان آماده کردن زیرساخت‌های ضروری برای اثربخشی بیشتر آموزش‌های غیرحضوری و کاهش مخاطرات محیطی است اشاره کرده‌اند (Paudel, 2021: 20).

این امر با نتایج پژوهش‌های محمدی و همکاران (۱۳۹۹) در خصوص اهمیت طراحی زیرساخت‌های منسجم و اثربخش جهت ارائه آموزش مجازی همخوان است. زیرساخت‌ها شامل بستر پایداری اینترنت جهت آموزش معلمان و دانش‌آموزان برای استفاده از این فضا است. در نهایت نتایج نشان می‌دهد مادران اگرچه دغدغه‌هایی در خصوص مخاطرات احتمالی آموزش در فضای مجازی و همچنین افزایش شکاف بین نسلی به علت گستره دسترسی به فضای مجازی را دارند اما فرصت‌های آموزشی موجود را نیز نادیده نمی‌گیرند. توجه به توانمندسازی افراد و خانواده‌ها و رشد فرهنگ گفتگوی بین نسلی منجر به ارتقای قابلیت دانش‌آموزان و خانواده‌ها در مدیریت روابط خود در فضای مجازی و بهره‌گیری از مزایای این فضای آموزشی با صرف کمترین وقت و هزینه خواهد شد.

به منظور بهره‌گیری از فضای آموزش مجازی با کمترین مخاطره طراحی مدل‌های پیشگیری اجتماعی در سطوح خرد و کلان، در دو بعد رشد مدار و جامعه مدار پیشنهاد می‌گردد؛ زیرا از سویی با توجه به ماهیت پیشگیری رشد مدار می‌توان از برنامه‌ریزی

1. Paudel

آموزشی خرد بهره گرفت که فرصت مناسبی را برای طراحی برنامه‌های آموزشی هماهنگ و متناسب با مسائل مردم هر منطقه فراهم می‌سازد. این برنامه‌ریزی به مردم محل که هدایت امور را در دست دارند این فرصت را می‌دهد که برنامه‌های آموزشی تهیه شده را با تحولات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و متناسب با انتظارات جامعه‌ای که این برنامه‌ها برای آن تهیه شده، تغییر داده و آن‌ها را اصلاح کنند. از سویی دیگر پیشگیری جامعه‌مدار لزوم توجه به تدابیر لازم جهت کاهش عوامل جرم‌زا در سطح کلان اجتماعی در محیط را مدنظر قرار می‌دهد.

بر اساس نتایج پژوهش پیشنهاد می‌شود: ۱- معلمان به ارتقای توانمندی‌های خود به‌منظور بهره‌گیری از فضای آموزش مجازی و جذاب نمودن آموزش خود پردازند. ۲- اوقات فراغت نوجوانان در ساعات طولانی قرنطینه در منزل با برنامه‌های جذاب و کاربردی سپری شود. ۳- مهارت‌های مشاورین و مددکاران اجتماعی به منظور ارتقای آگاهی نوجوانان و والدین از مزایا و چالش‌های فضای مجازی به کارگیری شود.

منابع

- احمدزاده کرمانی، روح‌الله. (۱۳۹۰)، «بازاندیشی در فرهنگ و رسانه»، تهران: نشر چاپار.
- اکبری تبار، علی‌اکبر و هزارجریبی، جعفر. (۱۳۹۲)، «مطالعه‌ای در باب تأثیرات شبکه‌های اجتماعی مجازی بر سبک زندگی و اوقات فراغت جوانان»، مجموعه مقالات کنگره ملی اوقات فراغت و سبک زندگی جوانان: ۲۴۴-۲۶۰.
- بیات، حجت‌اله. (۱۳۹۹)، «وضعیت کرونایی و نقش خانواده در مدیریت فضای مجازی»، تهیه شده در دفتر مطالعات اسلامی و ارتباطات حوزوی پژوهشگاه فضای مجازی.
- حاجی، جمال؛ محمدی مهر، مژگان و محمد آذر، حدیقه. (۱۳۹۹)، «بازنمایی مشکلات آموزش در فضای مجازی با استفاده از برنامه شاد در دوره پاندمی کرونا: یک مطالعه پدیدارشناسی»، فصلنامه فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات در علوم تربیتی، سال یازدهم، شماره سوم: ۱۵۳-۱۷۴.
- سلیمی، سمانه؛ فردین، محمدعلی. (۱۳۹۹)، «نقش کرونا ویروس در آموزش مجازی، با تأکیدی بر فرصت‌ها و چالش‌ها»، نشریه پژوهش در یادگیری آموزشگاهی و مجازی- شماره ۳۰: ۴۹-۶۰.
- ستوده، هدایت‌اله. (۱۳۸۶)، آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات)، تهران: انتشارات آوای نور، چاپ هجدهم، ویرایش سوم.
- سورین، ورنر جی و دبلیو تانکارد، جیمز. (۱۳۸۴)، نظریه‌های ارتباطات، ترجمه: علیرضا دهقان، تهران: انتشارات سیمای شرق.
- شریفی، محمد؛ فتح آبادی، جلیل؛ شکری؛ امید و پاکدامن، شهلا. (۱۳۹۸)، «تجربه آموزش الکترونیکی در نظام آموزشی ایران؛ فرا تحلیل اثربخشی آموزش الکترونیکی در مقایسه با آموزش حضوری»، پژوهش در یادگیری آموزشگاهی و مجازی. دوره ۷، شماره ۱: ۹-۲۴.
- شهابی، محمود و بیات، قدسی. (۱۳۹۱)، «شبکه‌های اجتماعی مجازی و کاربران جوان؛ از تداوم زندگی واقعی تا تجربه جهان‌وطنی»، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال نوزدهم، شماره ۶۹.
- صالحی نژاد، نسرین؛ درتاج، فریبرز؛ سیف، علی‌اکبر و فرخی، نورعلی. (۱۳۹۷)، «اثربخشی آموزش مبتنی بر نرم‌افزار چندرسانه‌ای ساخت نقش ذهنی بر سرعت پردازش اطلاعات در

- دانش‌آموزان دختر پایه هشتم»، پژوهش در یادگیری آموزشگاهی و مجازی، دوره ۱۶، شماره ۹: ۱-۲۲.
- علیزاده فرد، سوسن و صفاری نیا، مجید. (۱۳۹۹)، «پیش‌بینی سلامت روان بر اساس اضطراب و همبستگی اجتماعی ناشی از بیماری کرونا»، مجله پژوهش‌های روانشناسی اجتماعی، دوره ۹، شماره ۳۶: ۱۲۹-۱۴۱.
- فارغ زاده، نفیسه و کاشی، علی. (۱۳۹۳)، «بررسی روش‌ها و ابزارهای آموزش مجازی به منظور ارتقاء کیفیت آموزش از دیدگاه اساتید دانشگاه آزاد واحد خدابنده»، فصلنامه رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، دوره ۵، شماره ۱۷: ۱۲۱-۱۵۲.
- فتحی، فتنه؛ کرد نوقانی، رسول؛ یعقوبی، ابوالقاسم و رشید، خسرو. (۱۳۹۸)، «مقایسه آموزش با روش سنتی و آموزش با نرم‌افزار آموزشی در سطوح یادگیری دانش، فهمیدن و کاربرد در درس ریاضی و علوم در دانش‌آموزان دختر پایه ششم ابتدایی شهر خرم‌آباد»، پژوهش در یادگیری آموزشگاهی و مجازی. دوره ۷ شماره ۲: ۶۵-۷۶.
- فلاحی، علی. (۱۳۹۵)، «تحلیل کیفی و کمی تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی در ساختار خانواده». فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده، سال یازدهم، شماره ۳۵: ۱۵۱-۱۷۰.
- کیا، علی‌اصغر. (۱۳۸۸)، «نگاهی به آموزش مجازی (الکترونیک)»، کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره ۲۴: ۸۲-۸۹.
- کیان، مریم. (۱۳۹۳)، «چالش‌های آموزش مجازی: روایت آنچه در دانشگاه مجازی آموخته نمی‌شود»، چالش‌های آموزش مجازی، دوره ۵، شماره ۳.
- کیخانی، الهام. (۱۳۹۲)، تحلیل جامعه‌شناختی چالش‌های فرهنگی - اجتماعی شبکه‌های اجتماعی مجازی بر کاربران جوان در شهر اصفهان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان.
- محمدی، مهدی؛ کشاورزی، فهیمه؛ ناصری جهرمی، رضا و ناصری جهرمی، راحیل. (۱۳۹۹)، «واکاوی تجارب والدین دانش‌آموزان دوره اول ابتدایی از چالش‌های آموزش مجازی با شبکه‌های اجتماعی در زمان شیوع ویروس کرونا»، پژوهش‌های تربیتی، شماره ۴۰.
- مجدم، محمد و مرادی، محسن. (۱۳۹۸)، «بومیان دیجیتال و چالش‌های پیش رو». رشد فناوری آموزشی، دوره سی و پنجم، شماره ۵.

مواجهه مادران شهر تهران با آموزش مجازی، ... پروین و همکاران | ۲۲۳

- مهدی زاده، سید محمد. (۱۳۹۲)، «رسانه و بازنمایی»، دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها، تهران.
- محمدی، شهرام؛ بیژنی میرزا، طیبه و حاتمی، مهری. (۱۳۹۷)، «نقش خانواده، مدرسه و رسانه در پیشگیری از وقوع جرم با تأکید بر معیارهای بین‌المللی حاکم بر تعهد دولت‌ها در آموزش افراد». فصلنامه علمی پژوهشی تدریس پژوهی، سال ششم، شماره ۴: ۲۲۳-۲۵۴.
- وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، معاونت آموزشی دفتر برنامه‌ریزی آموزش عالی. (۱۳۹۹)، نکته‌های اساسی در حفظ کیفیت آموزشی دانشگاه‌های کشور در شرایط مقابله با کرونا، دفتر برنامه‌ریزی آموزش عالی.
- نیازپور، امیرحسین. (۱۳۸۲)، پیشگیری از بزهکاری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران - پیشگیری از وقوع جرم، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۲۰.
- نیازپور، امیرحسین. (۱۳۸۷)، سیاست جنایی بین‌المللی در زمینه حق بزه دیدگان برای داشتن وکیل در فرآیند کیفری، مجله تحقیقات حقوقی، دوره ۱۱، شماره ۴۷.

- Abbasi, F., Hijaz, G, Hakim Zadeh, R. (2020). "Experience living elementary school teachers the opportunities and challenges of teaching in educational network of students (Shad): a phenomenological study". *Teaching research*, 8(3), 20-40. (in Persian).
- Baumeister, R. F. & Leary, M. R. (1995). "The Need to Belong: Desire for Interpersonal Attachments as a Fundamental Human Motivation", *Psychol Bull*, 117 (3): 497-529.
- Bender, L. (2020). "Key Messages and Actions for COVID-19 Prevention and Control in Schools", *Education UNICEF NYHQ*.
- Bond, T. and Aslonen, S. (1998). "new mothers_ experience of postpartum care a phenomenological follow-up study", *journal of clinical nursing*; 7: 165-174.
- Caplan, S. E. (2003). "Preference for Online Social Interaction: A Theory of Problematic Internet Use and Psychosocial Well-Being", *Com Res*, 30 (6): 625-648.
- Chenari, Mahin. (2007). "Comparison of Husserl, Heidegger and Gadamer with methodological benchmark". *Philosophical-Theological Research*: Vol: 9, No. 34: 113-13
- Feng, Y. Cheng, Y. Wang, G. Xu, X. Han, H. & Wu, R. (2020). "Radar Emitter Identification under Transfer Learning and Online Learning". *Information*, 11 (1): 15

- Gershuny, J. (2000). "Changing Times: Work and Leisure in Postindustrial Society, New York": *Oxford University Press*.
- Kennedy, D. M. (2002). "Dimensions of distance: A comparison of classroom education and distance education". *Nurse Education Today*, 22 (5), 409-416
- Larose, R. Eastin, M. S. & Gregg, J. (2001). "Reformulating The Internet Paradox: Social Cognitive Explanations of Internet Use and Depression", *J Online Behav*, 1: 1-19
- Liyanagunawardena, T. R. & Aboshady, O. A. (2018). "Massive open online courses: a resource for health education in developing countries". *Global health promotion*, 25 (3), 74-76
- Lobo, J. L. Del Ser, J. Bifet, A. & Kasabov, N. (2020). "Spiking Neural Networks and Online Learning: An Overview and Perspectives". *Neural Networks*, 121: 88-100
- Maggio, L. A. Daley, B. J. Pratt, D. D. & Torre, D. M. (2018). "Honoring Thyself in the Transition to Online Teaching". *Academic Medicine*, 93 (8), 1129-1134
- Mason, F. Farley, A. Pallan, M. Sitchm A. Eastern C. & Daleym, A. J. (2018). "Effectiveness of a brief behavioural intervention to prevent weight gain over the Christmas holiday period: randomized controlled trial". *leading general medical journal*: 12, 363. The BMJ
- Mayadas, A. F. Bourne, J. & Bacsich, P. (2009). "Online education today". *Science*, 323 (5910), 85-89
- McQuail, D. J. G. Blumler J. R. and Brown. (1972). *The Television Audience: A Revised Perspective*, Available at www.google.com.
- Mesch, G. S. (2001). "Social Relationships and Internet Use among Adolescents in Israel", *Soc Sc Quart*, 82 (2): 329-340.
- Paudel, P. (2021). Online education: Benefits, challenges and strategies during and after COVID-19 in higher education. *International Journal on Studies in Education (IJonSE)*, 3(2), 70-85.
- Rouadi, Naim (EL). Faysal Anouti, Mohammad. (2020). "The Online learning Experiment in the Intermediate and Secondary Schools in Lebanon during the Coronavirus (COVID 19) Crisis", *International Journal of Advanced Research in Science, Engineering and Technology*.
- Racanello, D. Brondino, M. Moè, A. Stupnisky, R. & Lichtenfeld, S. (2019). Enjoyment, boredom, anxiety in elementary schools in two domains: Relations with achievement. *The Journal of Experimental Education*, 87 (3): 449-469

- Sandelowski, M. (1986). "The problem of Rigor in Qualitative Research", *Advances in Nursing Science*, 8(3): 27-3.
- Sargazi, N., Abarvan, M.J., Askari, M., Khoshkhah, R. (2020). "Corona and the Challenges of Education in Iran. Second Conference on Psychology, Educational Sciences", *Social Sciences and Counseling. Pandua, Italy*. (in Persian).
- Shklovski, I. Kraut, R. & Rainie, L. (2004). "The Internet and Social Participation: Contrasting Cross-Sectional and Longitudinal Analyses", *J Comput Med Com*, 10 (1), [Online] Available at: http://Jcmc.Indiana.Edu/Vol10/Issue1/Shklovski_Kraut.Html
- Verkuy, M. Lapum, J. L. Hughes, M. McCulloch, T. Liu, L. Mastrilli, P. Romaniuk, D. & Betts, L. (2018). "Virtual Gaming Simulation: Exploring Self, Virtual and In-person Debriefing". *Clinical Simulation in Nursing*, 20: 7-14. Doi: <https://doi.org/10.1016/j.ecns.2018.04.006>
- Wolak, J. Mitchell, K. & Finkelhor, D. (2003). "Escaping or Connecting? Characteristics of Youth Who Form Close Online Relationships", *J Adol*, 26 (1): 105-119.
- Wu, Z. & McGoogan, J. M. (2020). "Characteristics of and important lessons from the coronavirus disease 2019(COVID-19) outbreak in China", summary of a report of 72 314 cases from the Chinese Center for Disease Control and Prevention© 2020 American Medical Association. All rights reserved. doi:10.1001/jama.2020.2648.
- Yang, C. (2020). "Exploring the Possibilities of Online Learning Experiences". Unpublished doctoral dissertation, Teachers College: *Columbia University*.
- Zhu, N. Zhang, D. Wang, W. Li, X. Yang, B. Song, J & Niu, P. (2020). "A novel coronavirus from patients with pneumonia in China, 2019", *New England Journal of Medicin*, 382(8), 727-733.

استناد به این مقاله: پروین، ستاره؛ کریمی، مهسا و پیازچیان لنگرودی، فائزه. (۱۴۰۱). مواجهه مادران شهر تهران با آموزش مجازی فرزندان در دوران شیوع کرونا، ۹ (۳۲)، ۱۸۹-۲۲۵.



Social Work Research Journal is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.